

شهر در محاصره «رومی‌ها»!

درباره هجوم نمای رومی به شهرهای ایران که فارغ از اقلیم و بافت و هویت شهری سیمای همه شهرهای مختلف کشورمان را شبیه به هم کرده است

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۱

۳ صفر ۱۴۴۴ • ۳۱ آگوست ۲۰۲۲

شماره ۳۱۰۲۲

۲۲۴۲



می کنیم، پس لابد طرفدار نماهای قدیمی هستیم و مثلا کاهگل را پیشنهاد می کنیم. «چنین برداشتی از موضوع مورد بحث، روش دفاعی کسانی است که در برابر استدلال های مطرح شده پاسخی ندارند.

اتفاقا ما می گوئیم معماری ایرانی امروزی باید روی کار بیاید یعنی چیزی که دست کم از حدود ۵۰ سال پیش آن را کنار گذاشته ایم. آخرین نمونه های معماری مدرن ایرانی را می توانیم در سردر دانشگاه تهران ببینیم یا در برج آزادی یا در ساختمان موزه هنرهای معاصر. قدم های بعدی را اما اشتباه برداشتیم. امروز در دنیا نمای ساختمان ها بسیار ساده اند تا چهره آرام بخشی برای شهر بسازند، به علاوه نشانی از معماری پایدار دارند، برای مثال باعث صرفه جویی در انرژی می شوند و عنصر پاکیزگی در آن ها بسیار پررنگ است در حالی که نمای رومی ما که نمادی از مدرن بودن تلقی می شود، با اولین باران به گریه می افتد. گرد خاک مانده روی سنگ با باران شسته کنه،

کیفیت تر می شود. پس ما از معماری سنتی حرف نمی زنیم بلکه معتقدیم هر شهر متناسب با اقلیم و بستر محیطی خودش باید با استفاده از فناوری و مصالح امروزی، بنایی خلق کند که به همان شهر تنق لق داشته باشد.» با این همه به نظر می رسد چهره خانه های مان با طرز تفکر امروز مان همچوان و هماهنگ است. همان طور که نمای متفاخر را برای ساختمان ها پسندیدیم، در زبان و پوشش و رفتار هم از دیگران تقلید کردیم تا مترقی به نظر برسیم. دکتر محمودی می گوید:

«معماری، آینه جامعه است. ما در خانه های مان بوفه ای داریم پر از ظرف که حتی یک بار هم در آن ها غذا نمی خوریم چون مخصوص مهمان اند. در مجتمع های بزرگی زندگی می کنیم که لابی دارند اما می ترسیم در این لابی با دیگران جمع شویم. بالکنی داریم که نه برای آسایش بلکه برای نمایش از آن استفاده می کنیم. برای زندگی مان استاندارد نداریم و از چشم دیگران خودمان را می بینیم. این بوفه و بالکن ولابی، همان نمای رومی است.»



عده ای خوش شان می آیدو عده ای، نه! یعنی هر نمایی از جمله رومی، به صورت کاذب به هر بنایی چسبانده می شود. شما تا حالا در ساختمان های دولتی نمای رومی دیده اید؟ من که سراغ ندارم. چرا؟ چون بودجه ساختمان دولتی را سازمان برنامه بودجه می دهد، حساب و کتابی وجود دارد و کار فرما و مجری و مشاور. مشاوری که به مشتری اش بیرون از این فضا، نمای رومی پیشنهاد می دهد، در این جلسه موظف است که گزارش محاسبات زلزله را اعلام کند و در برابر کارش پاسخگو باشد. البته من نماهای ساختمان های دولتی را هم تأیید نمی کنم، آن ها هم قطعا اشتباهاتی دارند اما نه به اندازه اشتباه فاحش نمای رومی که صرفا یک جور بزک است.»

اصرار بر نمای رومی از سوی پیمانکارها چه منفعتی دارد؟ دکتر محمودی جواب می دهد: «نمای رومی مثل هر چیز دیگری که مد می شود، سرزبان ها افتاده و خواهان زیادی پیدا کرده است. بنابراین سوار شدن بر این موج منفعت مالی به همراه دارد. با این حال من معتقدم در این ماجرا اگر قرار است یقه نهادی را بگیریم، آن دانشگاه است. آموزش در رشته معماری باید اصولی باشد و این بلیشو چیزی نیست که توقع داشته باشیم در شهرداری و وزارت مسکن حل شود. چاره اش این است که مشا به بحث من و شما در دانشگاه ها شکل بگیرد. دانشجویهای معماری گذشته

خودشان را بشناسند، سیر تحول معماری در ایران را بفهمند، بدانند که هویت یک روزه شکل نمی گیرد و ریشه هر چیزی را که امروزه در بناها و نماها شکل گرفته است، بفهمند.»

● **معماری ایرانی مدرن از نیم قرن پیش کنار گذاشته شد**

حرف از هویت که می زنیم، عده ای موضوع را با سنت پرستی اشتباه می گیرند؛ درباره موضوع مورد بحث ما هم ممکن است این تصور اشتباه شکل بگیرد که اگر با نمای رومی مخالفت

شدت نور خورشید را بیشتر کنیم. این سنگ ها مثل آینه، نور را منعکس می کنند و باعث گرم تر شدن شهرها می شوند. انتخاب مصالح باید با اقلیم و محیط تناسب داشته باشد و نمای رومی در اروپای شمالی که اغلب هوایی ابری دارد، می تواند خوب باشد نه در ایران. البته خوشبختانه چند سالی است که روی تأکید می شود. یکی از امتیازات آجر برای شهرهای ما این است که به دلیل مات بودن، گرما را بیشتر نمی کند.»

● **نماهای بی قواره حق شهروندان را ضایع می کنند**

دکتر محمودی معتقد است نمای رومی در ایران که قرار بوده معرفت و تجمل و تفاخر باشد، در واقع نماینده بی هویتی است: «در زمان قدیم در شهرهای ما مساجد با گنبد کاشی کاری ساخته می شدند اما آیا هیچ خانه ای را سراغ دارید که گنبد کاشی داشته باشد؟ کسی اجازه نداشت خانه اش را شبیه به معماری مساجد بسازد و صرفا می توانست یک کاشی ۲۰ در ۳۰ و منقوش به بسم... یا چیزی دیگر سردر خانه اش بچسباند. نمای رومی هم به همین ترتیب کار کرد و جایگاه خودش را داشته که ارتباطی با زمان ما و هویت شهرهای مان ندارد. فناوری زمان روم باستان، چنین نمایی را می طلبیده است؛ معماران آن زمان چون نمی توانستند دانه های بزرگ را ببوشانند، قوس می زدند و دو طرف قوس ستون کار

می کردند ولی ما الان می توانیم سقف با دانه های بسیار بزرگ بزنیم.» من از دیدن ساختمان های نما رومی استرس می گیرم، به ویژه در کوچه های تنگ و خیابان های شلوغ. حس می کنم برایم شاخ و شانه می کشند. آقای محمودی می گوید احساس من از اجرای غلط نمای رومی نشئت می گیرد: «نمای رومی نه تنها در خودش تناسبت را رعایت نمی کند بلکه با شهر هم تناسب ندارد. این نماهای بزرگ و زیادی خودنما، به ساختمان های کناری و روبه روی شان و به شهروندان دهن کجی می کنند. نمای یک ساختمان متعلق به صاحبخانه نیست بلکه مال شهروندان است، کسانی که آن را سرنیش، در یک خیابان عریض و در کوچه ای باریک می بینند. نمای شهری آشفته، حق شهروندان را ضایع می کند. نکته مهم دیگر آن که شهرهای ما همه هم قیافه شده اند. تنها شهرهای کوچک اند که از این یکسان سازی سالم مانده اند و هویت شان در سیمای آن ها دیده می شود.»

● **در آشفستگی چهره شهر در دانشگاه در مان می شود**

این آشفنگی از کجا آب می خورد؟ هراز گاهی می شنویم که اعلام می شود اجرای نمای رومی در فلان شهر یا بافت سنتی بهمان شهر ممنوع است و همچنان ساختمان های نما رومی تازه سر برمی آورند. از قرار معلوم قانونی در این زمینه وجود دارد: «نمای رومی ظاهرادر تمام کمیته های نمای شهرداری ها رد می شود اما در واقعیت می بینیم که این نما همچنان وجود دارد. اصلا راجع به خود همین کمیته نما هم که حدود ۱۵ سال است در شهرداری ها ظاهر شده، بحث است. نمابخشی از بناست و نباید این دورا از هم جدا کرد اما اتفاقی که عملا می افتد، چنین است ساختمان ساخته می شود، یک سری پوستر در جلسات کمیته نما آورده می شود که

دکتر «محمد مهدی محمودی»، دانش آموخته معماری از دانشگاه «تولوز» فرانسه و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران توضیح می دهد در دو دهه ای که نمای رومی ابتدا سر از تهران در آور و بعد مثل ویروس به دیگر شهرها سرایت کرد و حالا در بسیاری از کوچه ها و خیابان ها خود نمایی می کند، چه پیامدهایی به شهرهای ما تحمیل شده است.

● **نماهای کاذب که از بنا جداست**

سرو کله نمای رومی از کی و کجا در شهرهای ایران پیدا شد؟ دکتر محمودی توضیح می دهد: «همان طور که از ظاهر کلمه مشخص است، این نما ریشه در روم باستان دارد؛ دوره به خصوصی در روم باستان، نمایی که امروزه کپی غلطی از آن در شهرهای ما دیده می شود، اجرا می شده که از نظر فناوری ساخت، هویت و عملکرد متناسب با زمان و مکان خودش بوده است.

اما از دو دهه پیش که نمای رومی در ایران باب شد، همه جنبه های عملکردی، سازهای و هویتی اش را از دست داد و صرفا به صورت یک نمای کاذب اجرا شد. در روم باستان، نما با بنا یکی بود. ستون های به کار رفته در آن واقعی بودند و بار سقف را پایین می آوردند. قوس ها برای این بودند که بار دانه بین دو ستون را به ستون ها و بعد به زمین منتقل کنند ولی در ساختمان های ما، می بینیم که ستون تازه از طبقه سوم شروع می شود، زیر پایه ستون پنجره قرار دارد و باری را روی زمین نیاورده است. قوس ها نیمه کاره ها می شوند و همه آن چه می بینیم، نه بخشی از بنا که یک سری الحاقات هستند.» اما این همه ماجرا نیست.

در بناهای رومی اصلی، بین نما و کاربری بنا تناسب وجود دارد. مثلا اگر بنایی می بینیم که با تزئینات فرشته روی آن کار شده، می دانیم که قطعا باید مکان مقدسی باشد. دکتر محمودی می گوید: «این کاریکاتوری که از نمای رومی در شهرهای مان می بینیم، معرف بنای داخلی نیست. نمای رومی نشان دهنده اقتدار بوده و خبر از وجود معبد و بنای باارزشی می داده است. تقلید از آن تزئینات روی نمای یک مجتمع مسکونی، صرفا یک جور بزک کردن است و هیچ معنایی ندارد. از این بدتر در مواردی حتی بر داخل بنا هم تأثیر منفی دارد؛ مثلا می بینیم که پشت نما دیوار کاذب زده و اتاق را تاریک کرده اند یا پنجره های وجود دارد که دو نیمه اش در دو اتاق جداگانه واقع شده چون ستونی از نما روی آن ها واقع شده است.»



● **نمای کاذب که از بنا جداست**

سرو کله نمای رومی از کی و کجا در شهرهای ایران پیدا شد؟ دکتر محمودی توضیح می دهد: «همان طور که از ظاهر کلمه مشخص است، این نما ریشه در روم باستان دارد؛ دوره به خصوصی در روم باستان، نمایی که امروزه کپی غلطی از آن در شهرهای ما دیده می شود، اجرا می شده که از نظر فناوری ساخت، هویت و عملکرد متناسب با زمان و مکان خودش بوده است.

اما از دو دهه پیش که نمای رومی در ایران باب شد، همه جنبه های عملکردی، سازهای و هویتی اش را از دست داد و صرفا به صورت یک نمای کاذب اجرا شد. در روم باستان، نما با بنا یکی بود. ستون های به کار رفته در آن واقعی بودند و بار سقف را پایین می آوردند. قوس ها برای این بودند که بار دانه بین دو ستون را به ستون ها و بعد به زمین منتقل کنند ولی در ساختمان های ما، می بینیم که ستون تازه از طبقه سوم شروع می شود، زیر پایه ستون پنجره قرار دارد و باری را روی زمین نیاورده است. قوس ها نیمه کاره ها می شوند و همه آن چه می بینیم، نه بخشی از بنا که یک سری الحاقات هستند.» اما این همه ماجرا نیست.

در بناهای رومی اصلی، بین نما و کاربری بنا تناسب وجود دارد. مثلا اگر بنایی می بینیم که با تزئینات فرشته روی آن کار شده، می دانیم که قطعا باید مکان مقدسی باشد. دکتر محمودی می گوید: «این کاریکاتوری که از نمای رومی در شهرهای مان می بینیم، معرف بنای داخلی نیست. نمای رومی نشان دهنده اقتدار بوده و خبر از وجود معبد و بنای باارزشی می داده است. تقلید از آن تزئینات روی نمای یک مجتمع مسکونی، صرفا یک جور بزک کردن است و هیچ معنایی ندارد. از این بدتر در مواردی حتی بر داخل بنا هم تأثیر منفی دارد؛ مثلا می بینیم که پشت نما دیوار کاذب زده و اتاق را تاریک کرده اند یا پنجره های وجود دارد که دو نیمه اش در دو اتاق جداگانه واقع شده چون ستونی از نما روی آن ها واقع شده است.»



الیه توانا روزنامه نگار

پرونده

فرقی ندارد آپارتمان باشد یا داروخانه یا مثلا نانوائی و گل فروشی؛ فرقی ندارد خراسان باشد یا مازندران یا قزوین و اصفهان. این روزها در هر شهری که قدم بزنید هر بنایی، در هر کوچه و خیابانی با هر عرض و مساحتی، با سنگ های صیقلی سفید، نباتی و کرمی پوشانده شده؛ یک جور یونیفرم نافرمان که به «نمای رومی» مشهور است. اگر زیاد گذرتان به بنگاه های معاملات مسکن می افتد و مدام ناچارید که آگهی های ملکی را زیرورو کنید، احتمالا نمای رومی، کلیدواژه هایی مثل «شیک»، «نوساز» و «لوکس»، «برند منطقه» را در ذهن تان تداعی می کند. اما آن چه می بینید، واقعا شایسته صفات مثبت است؟ من که از تماشای آن ستون ها، قوس ها، تزئینات و نورپردازی های اغراق آمیز و قلدر، حس خوبی ندارم. نه تنها در ساختمان های نما رومی نشانی از زیبایی و تناسب نمی بینم، بلکه به چشمم سازه های بی قواره و ناموزونی می آیند که چهره شهر را زشت کرده اند. خب البته می دانم که نمای رومی در نظر عده ای اتفاقا نماد معماری مدرن قلمداد می شود و طرفداران خودش را دارد. پس برای فهمیدن آن که حس منفی ام راجع به محاصره شهر با رومی ها چقدر قابل اعتناست، سراغ یک معمار رفتم. در این پرونده قصد داریم بفهمیم تمایل شهرهای ما به نماهای رومی، از سلیقه و ترجیح شخصی برمی آید یا مدی است که منفعت عده ای را در پی دارد؟ اصلا نمای رومی چطور ناگهان پیدایش شد و چه ربط و نسبتی با شهرهای مان دارد؟